

خطبه فدکیه یک مکتب اعتقادی است

مدیر دفتر انجمن کلام حوزه در جامعه الزهرا(س) با بیان اینکه خطبه فدکیه یک مکتب و مکتب‌خانه اعتقادی است، گفت:



مدیر دفتر انجمن کلام حوزه در جامعه الزهرا(س) با بیان اینکه خطبه فدکیه یک مکتب و مکتب‌خانه اعتقادی است، گفت: آن حضرت خطبه را با حمد الهی شروع و توحید شروع کردند و وارد بحث نبوت پیامبر(ص) شدند و بعد درباره امامت و ولایت حضرت علی(ع) بحث کردند.

پس از رحلت پیامبر(ص)، اتفاقات تلخی رخ داد و مسلمانان روزهای سختی را به چشم دیدند. غیر از غصب حکومت و خانه نشین کردن کسی که پیامبر اسلام به ولایت او تصریح کرده بود، فدک که رسول خدا به دخترش بخشیده بود را نیز غصب کردند.

در چنین فضایی بیان انحرافات خلفا از مسیر اسلام بسیار سخت بود، ولی حضرت زهرا(س) با خطبه فدکیه و بیان محورهای مختلف در آن به شفاف سازی و افشای ظلم‌ها پرداختند تا اعتراض به غصب فدک به معنای دنیاطلبی اهل بیت(ع) تلقی نشود و تنها بهانه‌ای باشد برای بیان معارف الهی و حقایق تاریخ.

خبرنگار ایکننا در گفت‌وگو با زهرا دلاوری پاریزی، استاد حوزه و دانشگاه و مدیر دفتر انجمن کلام حوزه در جامعه الزهرا(س)، به بررسی بخش‌هایی از خطبه فدکیه پرداخته است که در ادامه می‌خوانیم.

ایکننا - خطبه فدکیه از جمله آثار گرانقدری است که در دفاع از ولایت بیان شده است. سند این روایت تا چه اندازه معتبر است و در چه منابعی نقل شده است؟

صحبت کردن در مورد حضرت زهرا(س) در توان کسی است که مقام و عظمتشان را درک کرده باشد؛ ایشان در روایات به ليله القدر تشبیه شده‌اند. خداوند در سوره قدر فرموده است: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ (۱) وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ (۲) لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ». خداوند در این سوره خطاب به پیامبرش فرمود که تو نمی‌دانی ليله القدر چیست و از هزار ماه برتر است و در آن شب ملائکه و روح تنزل می‌یابند. با این وصف قطعاً توان فهم و تحمل مفهوم و محتوای ليله القدر را نداریم. حضرت فاطمه(س) همانند ليله القدرند و شخصیت ایشان برای افراد معمولی قابل درک نیست. لذا آنچه می‌گوییم و می‌شنویم قطره‌ای از دریای بیکرانه معرفت آن حضرت است که بخشی از آن در خطبه فدکیه تجلی یافته است و قطره‌ای از عظمتشان را نشان می‌دهد. ایشان فرزند و پدر را از دست داده و همسرشان خانه نشین شده و اصحاب پیامبر(ص) به آرمان پیامبر خیانت کرده بودند و در چنین شرایط بسیار سختی فصیحانه سخنوری کردند و در قالب خطبه‌ای به موضوعات اعتقادی پرداخته‌اند.

خطبه فدکیه در منابع و مصادر اولیه اهل سنت و شیعه نقل شده و اولین و قدیمی‌ترین کتابی که آن را نقل کرده «بلاغات النساء» احمد بن ابی طاهر مروزی است که در سال ۲۰۴ تا ۲۸۰ ق حدود زمان امامین عسکریین می‌زیست. همچنین علی بن عیسی اربلی در کشف الغمه از کتاب «سقیفه ابوبکر» از احمد بن عبدالعزیز نقل کرده است. همچنین ابن ابی الحدید معتزلی در شرح نهج البلاغه اسناد معتبر و متعددی را برای این خطبه ذکر کرده و آورده است که من از منابع شیعه استفاده نکرده‌ام. شیخ صدوق در علل الشرایع بخشی از خطبه و در کشف الغمه همه خطبه را آورده و از نظر سند و محتوا منقول از ایشان است. شهید صدر نیز یکی از بهترین کتب را درباره این خطبه نوشته است.

خلیفه اول فدک را، که پیامبر(ص) به حضرت زهرا(س) بخشید، جزء اموال عمومی اعلام کرد که غصب آشکار حق آن حضرت و اهل بیت(ع) بود و حضرت به بهانه آن به همراه تعدادی از زنان برای احتجاج با خلیفه اول به مسجد پیامبر(ص) رفتند و این خطبه را ایراد کردند که در آن زمان ساختارشکنی محسوب می‌شد و به بیان معارف الهی و اعتقادی در چند بخش پرداختند و معترض غصب ولایت علی(ع) و فدک شدند.

ایکننا - گفتید که حضرت در این خطبه به مباحث اعتقادی پرداختند. بیشتر چه نکات معرفتی مورد نظرشان بود؟

این خطبه شامل چند بخش است که مکتب و مکتب‌خانه‌ای اعتقادی است. آن حضرت خطبه را با حمد الهی شروع و توحید و بعد نبوت عامه را مطرح کردند و وارد بحث نبوت خاصه پیامبر(ص) شدند و درباره امامت و ولایت حضرت علی(ع) بحث کردند و با اشاره به حوادث بعد از رحلت رسول الله(ص) و ارتداد بیشتر افراد به موضوع قیامت پرداختند. در واقع از توحید تا معاد را مورد توجه

خطبه را با حمد و ثنای الهی و شکر بر نعمات آغاز فرمودند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَنْعَمَ، وَ لَهُ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَلْهَمَ، وَ الثَّنَاءُ يَمَا قَدَّمَ، مِنْ عُمْومِ نِعَمِ إِبْتَدَاءِهَا، وَ سُبُوغِ الْإِيَّ اسْتِدَاءِهَا، وَ تَمَامِ مِثَرِ أَوْلَاهَا، جَمَّ عَنِ الْإِحْصَاءِ عَدَدُهَا، وَ تَأَى عَنِ الْجَزَاءِ أَمْدُهَا، وَ تَفَاوَتِ عَنِ الْإِدْرَاكِ أَبَدُهَا، وَ نَدْبَهُمْ لِاسْتِزَادَتِهَا بِالشُّكْرِ لِاتِّصَالِهَا، وَ اسْتَحْمَدَ إِلَى الْخَلَائِقِ بِإِجْرَالِهَا، وَ تَنَى بِالتَّذَبُّبِ إِلَى أَمْثَالِهَا.»

انسان با خواندن این فراز از خطبه به یاد سخنان امام حسین(ع) در گودال قتلگاه می افتد که فرمودند: «الهی رضا برضانتک» یا این آیه قرآن کریم «الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَى جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» به ذهن متبادر می شود؛ یعنی حمد و ثنای الهی جزء فضایل نهادینه شده در وجودشان است که در سختی و خوشی و هر زمان و مکانی در وجودشان جاری است؛ «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالصَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظِ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ.»

بعد از نعمت ها یاد کردند، زیرا «وَدَكِّرُ فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ»؛ ایشان از مواهبی که خدا به انسان ها و بندگانش داده، که شامل ارسال رسل و انزال کتب است، یاد و تأکید می کنند که شمارش این نعمات از توان انسان بیرون است، کما اینکه سعدی گفته: هر نفسی که فرو می رود ممد حیات است و چون برآید مفرج ذات.

خداوند نعمت های بی نهایتی را ارزانی داشته و وعده داده است که اگر شکر کنید، نعمت هایتان را زیاد می کنم و این نعمات از شمارش بیرون است. اگر انسان همه زندگی خود را به یک سجده شکر بگذراند باز هم کم است. نعماتی که انتهای آن از ادراک انسان بیرون است و خدا انسان را برای این شکرگزاری فراخوانده است همچنین دعوت کرده است او را حمد کنند و تشویق فرموده است ثنای او را بگویند و این ثنا و حمد باعث اتصال به ساحت حضرت رب است و آیا در این صورت «هل جزاء الاحسان الا الاحسان»؟ آیا پاداش نیکی چیزی جز نیکی و شکر خداست؟

ایکنا - در آغاز سخن آن حضرت ارجاع به توحید موج می زند که نشان اهمیت توحید و عمق و سعه وجودی و توحیدی ایشان است.

ایشان به توحید شهادت می دهند و می گویند که خدایی جز خدای یگانه نیست و یکتاست (اشهد ان لا اله الا الله...) و شریکی ندارد و بعد فرمودند: «کلمه لا اله الا الله کلمه جعل الاخلاص تاویلها»؛ تأویل کلمه لا اله الا الله، اخلاص است که این سخن معطوف به فرمایش حضرت امیرالمؤمنین(ع) است که فرمودند: «اول الدین معرفته و کمال معرفته التصدیق به و کمال التصدیق به...» تا جایی که فرمودند: «و کمال التوحید الاخلاص به.» در اینجا به سنجش و معیار توحید یعنی اخلاص اشاره کرده است؛ یعنی تا کسی به ما نگرست از رفتار و گفتار ما متوجه شود که چنین فردی ظاهر و باطن و گفتار و رفتار او یکسان است و نفاق و شرک در او وجود ندارد. در حقیقت ثمره این اخلاص، توحید عملی انسان است. در ادامه به این حقیقت اشاره کردند که خداوند کلمه لا اله الا الله را به صورت فطری در وجود انسان ها قرار داد. «و صَمَّنَ الْقُلُوبَ مَوْضُوعًا»؛ قلوب را به این کلمه متصل کرده است.

در بحث فطرت سه نظریه وجود دارد و گفته می شود انسان خداشناس متولد می شود یا خداگرا یا امکان شناخت خدا و گرایش به سمت خدا را دارد و غیر از اینکه انسان فطرتاً این طور است، همزمان راه شناخت خدا را در عقل و فکر انسان هم گذاشته اند. «انار فی الفکر معقولها»؛ انسان اگر عاقلانه فکر کند می فهمد که این جهان می تواند فقط یک خدا داشته باشد و دو خدایی باعث بهم ریختگی و تشتت نظام است.

حضرت در ادامه خطبه به توصیف صفات خدا پرداخته است؛ خدایی که قابل مشاهده و دیدن با چشم نیست و زبان از بازگویی صفات او الکن است و اگر کسی چیزی هم می گوید در حقیقت همان وهمیات است وگرنه خدا پاک و منزّه است از اینکه توصیف شود: «سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ»؛ قصور زبان از توصیف خدا شاید معطوف به اسم الله اکبر است؛ الله اکبر یعنی خدا بزرگتر است، ولی خدا بزرگتر از چیست؟ آیا بزرگتر از کوه و دریا و آفرینش و همه چیز است. امام(ع) فرمودند خداوند بزرگتر از آن است که به وصف درآید. در ادامه فرموده که خلق الهی بدیع است و خداوند همه چیز را خلق کرد، بدون اینکه ماده ای از قبل وجود داشته باشد. برای انسان ها هم از خلاقیت و خلق استفاده می کنیم، ولی خلق ما کجا و خلقت الهی کجا؟ نهایتاً از ترکیب اجزایی، یکسری موادی درست می کنیم که هنر و خلاقیت است، ولی خدا بدون اینکه ماده باشد جهان را آفریده است. بعد فرموده خداوند همه این ها را با اراده و مشیت خود خلق کرد.

ایکنا - چه دلیل داشت که آن حضرت از ابتدا به تبیین معارف اعتقادی و سپس به انحراف خلیفه در غصب فدک پرداختند؟

آن حضرت ریشه همه انحرافات را در خروج از مسیر توحید، نبوت، معاد و فراموشی آن می دانند. لذا این معارف را به مردم یادآوری کردند تا قلب های زنگار گرفته و بیمار بیدار شوند. البته خفقانی که غلبه یافته بود اجازه نداد تا افراد چندانی با خاندان اهل بیت (ع) همراه شوند. به همین دلیل سرنوشت جهان اسلام به مسیری رفت که همه از آن مطلعیم.

ایکنا - این روزها و با تبلیغ برخی افکار الحادی و بروز مشکلات در جوامع، گاهی نسل جوان اعتراض می کنند که چرا خدا ما را خلق کرد؟ پاسخ شما بر اساس محتوای این خطبه شریف چیست؟

اگر به خلقت خود معترضیم، می توانیم بگوییم چون خدا دوست داشت انسان را آفرید، و چون خدا تو را دوست داشت آفرید تا وارد این عالم شوی و به کمال برسی. خدا بدون اینکه از کسی کمک بگیرد و حتی خلقت برای او فایده داشته باشد، انسان را خلق کرد. من نکردم خلق تا سودی کنم/ بلکه بر بندگان جودی کنم.

برای اینکه خود را به خلق بشناساند انسان را آفرید تا به انسان هشدار دهد که این سفره پهن شده در عالم بی دلیل نیست. براساس قاعده عقلی، انسان شکر منعم و وجوب عقلی دارد و می فهمد که در برابر خوبی دیگران باید نیکی کند و پاداش نیکو بدهد. وقتی انسان وارد عالم شود، می بیند که سفره ای به این وسعت وجود دارد و می گوید چه کسی آن را آفریده است؟ به دنبال صاحب سفره می گردد تا از او تشکر کند، کما اینکه وقتی کسی به ما مهربانی و نیکی کرد تشکر می کنیم و اگر مهمانی دعوت شدیم، چندین باره از صاحبخانه قدردانی می کنیم و چنین عالم بزرگی شایسته تشکر نیست؟

انسان وقتی فهمید که آفریننده ای هست به دنبال معلم و راهنما می رود تا مسیر درست زندگی را تشخیص دهد؛ کسانی که از سوی خدا آمده اند و فطرت و عقل سالم هم آنان را می پذیرد. البته این دعوت باید یکسری تضمین هایی داشته باشد. لذا فرمود: «قَالَ لَهُمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا»؛ ما همه چیز را به تو گفتیم و تو دوست داری شاکر باش یا کافر. تأکید می فرماید که اگر شاکر باشی علاوه بر اینکه به نفع توست، من هم این پاداش را اضافه تر به تو خواهم داد و اگر معصیت کنی، علاوه بر آثار بد وضعی که در دنیا دارد عقاب آخرت را به دنبال دارد.

بعد در خطبه پس از اینکه به بحث توحید و نبوت می پردازد، تأکید می کند که انبیا سخنانی را مطابق با فطرت و عقل می گویند تا پیروانی را بیابند و به همین دلیل در طول تاریخ مردم کم کم به انبیا اطمینان پیدا کردند و دیدند که مناسک و شعائر و کتبی را که پیامبران آورده اند برای زندگی خود آنها بهتر است و باعث می شود که انسان زندگی بهتری را در مقایسه با سایر موجودات داشته باشد.

گفت وگو از علی فرج زاده